

ارزیابی انتقادی شاخصه‌های امر نمایشی در بناهای هنری-معماری و معماری عامه^{*}(۱۳۹۷-۱۳۸۷)

سمیه نورائی^{***}، هیرو فرکیش^{***}، احمد میرزا کوچک خوشنویس^{***}، محمد تاجی^{***}، حسین مرادی نسب^{***}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۵/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۹

چکیده

معماری مسکونی، تنها گنтар ادبی مبتنی بر آرایه‌ها و فنون خاص نیست، بلکه نوعی زبان محاوره‌ای است که در واقع با همین زبان گفتاری، درونمایه‌ی تناقضات و تمایزات اجتماعی به نمایش گذاشته می‌شود. متغیر «امر نمایشی» از عوامل تأثیرگذار بر کالبد معماری است. درک نسبت امر نمایشی با معماری، بخشی از درک نسبت فرهنگ و معماری است. از طرفی، تفاوت گفتگوی محیط آکادمیک و روزمره، با ورود به تمایزی که در «زبان» خود را نشان داده، در قالب پوسته‌ی بنا به نمایش گذاشته شده است. تبیین این مقوله فرهنگی در دو گانه «نظر» و «عمل» بر کالبد بیرونی مسکن امروز کمک به فهم دقیق‌تری از آن برای مخاطبان، در جهت آسیب‌شناسی مسکن امروز ارائه خواهد داد. به همین جهت در پژوهش حاضر، به تبیین شاخصه‌های امر نمایشی و سپس ارزیابی آن‌ها بر کالبد بیرونی مسکن معاصر ایرانی پرداخته شده است. در این پژوهش با روش آمیخته، نخست بر مبنای ادبیات پژوهش و تحلیل استدلالی و کیفی، تعداد هفت شاخصه پیشنهادی امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن تبیین و سپس با استفاده از آزمون «مقایسه میانگین»، ارزیابی شاخصه‌ها در منتخب بناهای حوزه معماری‌های «نهاد هنری»، شامل بناهای برگزیده‌ی مسابقات معماری، و حوزه معماری‌های «عامه» به معنای معماری‌های بافت مصنوع جامعه، صورت گرفته است. گرداوری داده‌ها برای جامعه آماری دسته اول به روش کتابخانه‌ای و نمونه‌گیری مدل هدفمند، و دسته دوم گرداوری داده‌ها به روش میدانی و نمونه‌گیری مدل هدفمند انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد از تعداد هفت شاخصه امر نمایشی (نوگرایی، اسرافگر، منفرد، سلطه‌گر، بازاری، اغواگر، گسیست از فرهنگ)، در پنج شاخص تفاوت معناداری میان بناهای این دو حوزه وجود داشته است؛ به طوری که اثرگذارترین شاخصه‌های امر نمایشی در حوزه اول یعنی شاخصه‌های «منفرد» و «نوگرایی»، کم‌اثرترین شاخصه در حوزه دوم بوده و بر عکس، شاخصه‌های «گسیست از فرهنگ» و «بازاری» که کم‌اثرترین شاخصه در حوزه اول بوده‌اند، به عنوان اثرگذارترین شاخصه در حوزه دوم قرار گرفته‌اند. این عدم همسویی وضعیتی متعارض را نمایان ساخته به گونه‌ای که به نظر می‌رسد معماری‌های عامه تابع بناهای منتخب نهاد هنری معماری جامعه نبوده و این نهاد در شکل دهی کالبد بیرونی مسکن، «میدان» لازم به زعم بوردیو- برای تبعیت عامه از خود را نداشته است.

وازگان کلیدی

امر نمایشی، اندیشمندان انتقادی، مسکن، بنای برگزیده مسابقات، بنای عامه

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «ارزیابی مؤلفه‌های امر نمایشی در معماری مسکن معاصر ایرانی (جامعه مورد مطالعه شهرستان شاهروд)» به راهنمایی نگارنده‌گان دوم و سوم و مشاوره نگارنده‌گان سوم و چهارم در دانشگاه آزاد واحد سمنان است.

** دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

*** استادیار، گروه معماری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

**** استادیار، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ایران

***** استادیار، گروه معدن، واحد شاهروド، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران

***** استادیار، گروه معماری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

مقدمه

آشتگی کالبدی در معماری شهرهای امروز، مسئله‌ای است که حتی بیننده غیرمتخصص نیز از آن درک می‌کند. از طرفی تغییرات آشفته در عرصه معماری شهرها، بیشتر از آن که ناشی از دائقه‌ای زیباشناختی و یا ضرورتی مبتنی بر اقتصادی مهندسی معماری باشد، متغیری وابسته به عناصر فرهنگی و جامعه‌شناسی است (شصتی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵). متغیر «امر نمایشی^۱» از عوامل فرهنگی اثرگذار، در نسبت میان شکل مسکن با عناصر فرهنگی و جامعه‌شناسی است. در متون علوم اجتماعی مقوله امرنماشی به فرایندی گفته می‌شود که در آن افراد برای دیگران (مخاطبین)، معنای وضعیت اجتماعی خود را نمایش می‌دهند. نخستین بار در سال ۱۹۵۹، امرنماشی با موضوع «نمایش فرهنگی^۲» با استفاده از مفهوم نمایش، به عنوان استعاره‌ای از تمایل به ظواهر فرهنگی در جوامع بروز یافت (William & Darity, 2008: 207). گافمن^۳ در کتاب «نmod خود در زندگی روزمره» مفهوم نمایش را به عنوان یک استعاره از تظاهرات فرهنگ غیرتاثری بسط داده و معتقد است که افراد قادر به انتخاب هر نمایشی را که آرزو دارند نیستند، چراکه با توجه به زمینه و موقعیت خود در دنیای فرهنگی اجتماعی، دارای محدودیت می‌باشند (گافمن، ۱۳۹۶: ۲۷۰). بر همین اساس امرنماشی که خود تابع امر فرهنگی است، متأثر از زمان و زمینه، لایه‌های مختلف فرهنگ مانند فرهنگ عرفی (مردمی)، فرهنگ نخبه (متخصصین)، فرهنگ بیگانه (وارداتی) و فرهنگ ایده‌آلی (دین و ملت) را آشکار می‌سازد. این مقوله فرهنگی در سایر علوم، مانند علوم اجتماعی و روان‌شناسی و پژوهش‌های بین‌المللی، ریشه در فرهنگ مصرفی جوامع و اهمیت دوچندان وجوده بصری داشته و غالباً در جهت افزایش منزلت اجتماعی، جامعه‌پذیری و دریافت تأیید دیگران بوده است. در حوزه معماری، «امر نمایشی» از عوامل اثر بخشی است که معماری را در نسبت با دیگری تعریف می‌کند (مراد از دیگری فرد نیست و می‌تواند یک نهاد اجتماعی باشد). به بیان دیگر معماری زمانی که در نسبت با دیگری تعریف شود، در راستای تأثیر از فرهنگ و اجتماع خود را بازنمایش می‌کند. از طرفی توجه به تفاوت گفتگوی محیط آکادمیک و روزمره، با ورود به تمایزی که در «زبان» خود را نشان می‌دهد، به معمار و غیر معمار و بحث سلیقه، تسری پیدا کرده که این پسند، در قالب پوسته‌ی بنا به نمایش گذاشته شده است. در ادبیات پست مدرن نخستین بار اسکات براون^۴ در مقاله خود با عنوان «آموختن از هنر عامه‌پسند^۵» بررسی دوگانه معماری‌های «روشنفکری^۶» و «معماری‌های «عامه^۷» را برای تحلیل‌های معماري سیمای شهر بیان نموده است (Brown, 1973: 389). در ادامه وی با همکاری ونجوری^۸ و ایزبور^۹ در کتابی با عنوان «از لاس و گاس بیاموزیم»، نگره‌های پس‌زمینه‌ای هنر پاپ برای خوانش منظر شهری را به کار گرفته و با تأکید بر دوگانه‌ی معماری «اصیل و قهرمانانه^{۱۰}» و معماری‌های «عادی^{۱۱}»، خواستار این بوده‌اند که معماران پذیرای سلیقه و ارزش‌های مردم عادی باشند و در احترام قهرمانانه بناهای خود بزرگ‌نمایی کمتری داشته باشند (Venturi et al, 1977: 91). در همین راستا در پژوهش‌هایی به دو حوزه معماری‌های نهاد «هنری» و معماری‌های نهاد «حرفه‌ای» پرداخته شده است. در معماری‌های نهاد هنری تمامی آن‌چه به عنوان هنجار از سوی آن به جامعه القا شده، در «دورون» نهاد برای افراد معنی دار بوده، در حالی که برای افراد بیرون، نیاز به ترجمه معماران است. تمرکز نهاد هنری بر «ایده» و «کانسپت»، هم علت و هم معلول این خلق کاغذی در مقابل خلق واقعی فضاست (ناری قمی، ۱۳۹۴، ۶۸). در حالی که تمرکز معماری‌های نهاد «حرفه‌ای» بر ابزار، به ویژه تکنولوژی و همچنین، باز نمودی از اقتصاد سود محور مدرن که در نتیجه از این رو نوعی نگاه تقلیل‌گرایانه به مسائله را ترویج کرده است. این دوگانه معماری هنوز هم به عنوان پارادایم‌های اصلی دوران معاصر مطرح بوده، به طوری که آموزش معماری در تمام این پنج قرن متأثر از الگوهایی بوده که در این دو حوزه شکل گرفته و ترویج شده‌اند (همان، ۶۸).

از این رو پژوهش حاضر برآن است تا با تبیین شاخصه‌های متغیر امر نمایشی، نخست فهم دقیق‌تری از این مقوله فرهنگی برای مخاطبان ارائه داده و در ادامه میزان اثرگذاری و اثربرداری این شاخصه‌ها در دوگانه «منتخب بناهای نهاد هنری معماری» و «معماری‌های «عامه^۷» سنجیده شود. پژوهش حاضر فارغ از معیارهای نقدی زیباشناختی، به مقایسه و ارزیابی شاخصه‌ها میان دو حوزه دوگانه فوق پرداخته و در صدد پاسخ به این پرسش‌ها است که شاخصه‌های پیشنهادی امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن چیست؟ و دیگر این که کدام شاخصه‌ی پیشنهادی امر نمایشی بیشترین و کدامیک کمترین اثرگذاری را بر کالبد بیرونی معماری مسکن منتخب این دو حوزه دارد؟ نهایتاً یافته‌های مستخرج از آزمون در بحث و نتیجه‌گیری قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

با توجه به پژوهش‌های پیشین، در این بخش مفاهیم امر نمایشی مبتنی بر آراء اندیشمندان انتقادی بررسی و ارائه گردیده است. بنیامین^{۱۲} «امر نو و بت‌کالا» را بت عصر جدید دانسته و در نظر او «مد»، امر همواره یکسان گریز از ملالت و دلزدگی در عصر جدید است. در پژوهشی با عنوان «والتر بنیامین و هنر بازتولید پذیر» با هدف بررسی کارکرد «آئینی» و یا «نمایشی» هنر، به کنار رفتن منش آئینی هنر و جایگزینی منش

نمایشی آن اشاره شده است (کمالی و اکبری، ۱۳۸۷: ۱۲۵). همچنین در پژوهشی با عنوان «والتبنیامین: دگرگونی تجربه و خاطره در عصر جدید و کلان شهر مدرن» بیان شده که امر نو و بت کالایی در عصر جدید چیزها را صرفاً به اشیایی برای عرضه و نمایش تبدیل کرده است (تاجبخش، ۱۳۸۳: ۱۱). در این راستا پژوهش دیگری در حوزه معماری با عنوان «معماری رومی در مقابل معماری بومی» به بررسی انطباق معماری با فرهنگ بومی پرداخته و یافته‌ها نشان می‌دهد گرایش به معماری رومی در قیاس با معماری نئوکلاسیک غرب و نئوکلاسیک پیشین در ایران برداشتی کاملاً ظاهری و بدون هیچ مبنای اصولی بوده و نسبتی با اصل نداشته و خاستگاه آن مده سوداگری و کالاشدن معماری، بدون توجه به معماری بومی ایرانی است (ظفرمندی و ایمانی، ۱۳۹۴: ۲۷).

و بنز^{۱۳} با نظریه طبقه‌ی تن آسا و «صرف تظاهری» یا همان مصرف اسرافی که از ضروریات فاتر می‌روند، تجمل‌گرایی را یک مضمون اساسی در بررسی علل مسائل اجتماعی دانسته است (گرونر، ۱۳۹۲: ۲). در اندیشه و بنز نتیجه هدف اسراف تظاهری و به دنبال آن قالب کردن زیبایی پولی به جای زیبایی هنری، چیزی جز تنوع بی‌پایان از پریشانی معماری و نشانه‌های زحمت پرهزینه نیست. در همین راستا در حوزه علوم اجتماعی در پژوهشی با عنوان «از مصرف پایی تا حضرت مصرف»، از مهمترین دلایل چگونگی شکل‌گیری فرایند چشم و همچشمی در خرد و مصرف، جستجوی «موقعیت اجتماعی برتر» در «صرف کالاها» و «نمایش» آن‌ها نزد دیگران، به عبارتی «صرف تظاهری» شناخته شده است (ابراهیمی نیا و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین یافته‌ها در پژوهشی با عنوان «رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی» نشان می‌دهد مسکن و محل سکونت آدمی، نشانی از خود فردی و اجتماعی وی را منعکس و نوع فردیت شکل گرفته انسان ایرانی معاصر، سبک زندگی او را رقم زده که این سبک زندگی بر زیستن در نوع خاصی از کالبد معمارانه تأثیر گذاشته (شخصی و فلامکی، ۱۳۹۳: ۱۱۷) به گونه‌ای که چنین فردیت متظاہرانه انسان ایرانی، متأثر از تفاوت آشکار آرزوها و امکانات وی، دینی اجتماعی را به صحنۀ نمایشی فروکاهیده است (همان، ۱۳۳). در پژوهشی با عنوان «معماری مسکونی ایران امروز شهر تهران و پرولماتیک فرهنگ از منظر جامعه شناسی»، نسبت میان شکل مسکن و معماری با عناصر فرهنگی و جامعه شناختی مورد تحلیل قرار داده که در این پژوهش «سبک زندگی» و «صرف فرهنگی» عوامل مؤثر بر شکل مسکن امروز معرفی گردیده و به این مهم اشاره شده است که به دلیل قوام نیافتمن مقوله‌ی فردیت انسان ایرانی، و به دنبال آن ضعف در مصرف آگاهانه، «انتخاب و مصرف» وی غالباً جنبه نمایشی دارد. به طور مثال نماها و دکوراسیون‌های داخلی، در عدم هماهنگی با فرهنگ و سبک زندگی، بیشتر ابزاری برای نمایش «موقعیت و طبقه‌ی اجتماعی» و رفعیت نشان دادن آن به شمار می‌آیند (شخصی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۹).

در اندیشه بوردیو امر نمایشی یک سرمایه یا افزوده بر امر اصیل اجتماعی است که توسط مکانیزم‌های اجتماعی قطب‌های سرمایه (اعم از سرمایه مادی یا فرهنگی) ساخته و حفظ می‌شود (بوردیو، ۱۳۹۳: ۲۲۸). وی به خودنمایی ناشیانه مصرف متظاہرانه اشاره نموده که نمایش ناشیانه‌ای از تجملات نستجده و نابجا برای کسب «تمایز» و تشخض است (همان، ۶۰). یافته‌ها در پژوهشی با عنوان «از خود ناشکفته تا خودشکوفایی هنجاری هژمونیک» نشان می‌دهد زنان در مواجهه با دیگران خودشکوفا با خود ناشکفته‌شان روبرو می‌شوند و با توجه به میل به خودنمایی در بستری چشم و هم چشممانه به فعالیت‌های هنری می‌پردازند تا بدین ترتیب «تایید» و «معرفی دیگران» را به دست آورند (افشنی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۳). در حوزه معماری امینیان و عینی فر، در طرح پژوهشی با عنوان «دوگانه کیفیت و تجمل‌گرایی در معماری مسکن ایرانی»، خانه‌های قشر مرغه شهر تهران، در دو حوزه «نخبه‌گان طراح» و «کاربران» مورد بررسی قرار گرفته داده‌اند؛ این پژوهش مفهوم «سرمایه اقتصادی» از نگاه بوردیو در ایران را به «رانت» اقتصادی بورژوا ایرانی، و مفهوم «سرمایه اجتماعی» از نگاه بوردیو -که شامل سرمایه فرهنگی نیز می‌شود- را به قدرت «ایدئولوژی» و قدرت «سیاسی» در جامعه ایران، تبدیل و تفسیر نموده است. هم چنین به اهمیت قدرت «نمایش» و «الگوگذاری» قشر مرغه بر سایر اقسام جامعه، به واسطه قدرت اقتصادی، و تأثیرگذاری بیشتر در زمانی که به قدرت سیاسی نیز نزدیک شوند، اشاره کرده و بدین ترتیب به توانایی تغییر شکل مسکن توسط این قشر در جامعه ایران پرداخته است (ارتیاط شخصی، ۱۰ آبان ۱۳۹۷). در ارتباط با تأثیرپذیری معماری‌های عالمه از قشر مرغه جامعه، می‌توان به تحقیق فرناندولا در شهر بزری‌بلی بلوهربیزونته^{۱۴} نیز اشاره کرد؛ یافته‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد اغلب مالکان بناهای مسکونی، بیشترین تأثیر در فرم و نمای خانه‌های شان را از ارتباط با افراد ممکن و جلوه‌های معماری خانه‌های این قشر جامعه گرفته‌اند (گروت و وانگ، ۱۳۹۰: ۳۴۳).

باومن^{۱۵} «اغواگری» را شاخصه فرهنگ نمایشی امروز دانسته است. در نظر او مصرف از اساس با نمایش پیوند خورده و در جهان پست مدرن دیگر نه نیاز و نه تمایل، نمی‌تواند مصرف را توجیه کند؛ این زندگی با «اغوا» هدایت شده است. با نوعی شیدایی حاصل از مصرف که محرک خواسته‌ها و آرزوهای فراینده است (باومن، ۱۳۹۳: ۱۱۳). در پژوهشی با عنوان «مدرنیته، شهر و مصرف»، جایگاه مصرف در زیست جهان شهر وندان تهرانی تبیین شده و به این نتیجه رسیده است که امروزه در شهر تهران، فراگذشتن از اتکا بر نیاز و کالاهای ضروری، و پیوند یافتن با میل و طلب، هویت شهر و شهر وندان را شکل داده است (ذکایی و امیری، ۱۳۹۶: ۴۱). از طرفی بوردیار^{۱۶} به «نمایش اشیا تحت

سیطره رسانه‌ها» در جامعه مصرفی امروز اشاره داشته، وی معتقد است امروزه افراد بیشتر از آن که با انسان‌ها در ارتباط باشند، به‌واسطه سیطره رسانه‌ها، با اشیا در ارتباطند (بودریار، ۱۳۹۳: ۱۳). در همین راستا پژوهشی با عنوان «صرف نمایشی پوشک و عوامل مؤثر بر آن»، عوامل مؤثر بر مصرف نمایشی پوشک را به ترتیب انگیزه «پیروی از دیگران مهم»، «پایگاه اجتماعی و اقتصادی» و «توجه به تبلیغات مصرفی رسانه‌ها» دانسته است (وزیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

دبور^{۱۷} در کتاب خود با عنوان «جامعه نمایش» به «سرشت ویترینی و فراموشی تاریخ و نتیجتاً فرهنگ» در جامعه نمایشی اشاره دارد. وی جامعه‌ی متکی بر صنعت مدرن را از بنیاد نمایش گر می‌داند (دبور، ۱۳۹۲: ۵۵۷). در جامعه نمایش، تصاویر به جای اشیاء مصرف شده و تعیین نحوه بیان خود با مصرف اشیاء خاص، یک نکته مهم بوده و این امر مهم، نه در کارکرد بلکه در تصویر نهفته است زیرا در جامعه مصرف‌گرای معاصر، بینایی به مهم‌ترین حس انسانی تبدیل شده (صابون‌چی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۰). در حوزه معماری پژوهشی با عنوان «نگاهی انسان شناختی به نمای زیستگاهی»، به اهمیت نقش پوسته بیرونی مسکن در انتقال خواسته‌های درون‌ذات سازندگان بنا که ریشه در فرهنگ دارد، پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد با نگاهی به کالبد بیرونی مسکن، نیاز فرد به حس «تعلق داشتن به جماعتی خاص» یا حتی حس «منحصر به فرد بودن» با بهره‌گیری از اصل «تمایز»، پوسته نما را بهشدت تحت تأثیر سرمایه‌داری و کالایی شدن قرارداده است (فکوهی، ۱۳۹۸).

در جمع‌بندی مطالب فوق می‌توان گفت مقوله فرهنگی امر نمایشی اساساً فرهنگ مصرفی و بصری امروز جوامع پیوند خورده است. مقوله فرهنگی امر نمایشی در سایر علوم مانند علوم اجتماعی و روان‌شناسی بررسی‌های زیادی داشته و عموماً در راستای شرکت در تظاهرات بیرونی و اهمیت دوچندان وجود بصری برای به‌دست آوردن «منزلت اجتماعی بیشتر»، «جامعه‌پذیری» و «تأیید دیگران» بوده است. عمدۀ این تغییرات برخواسته از عوامل فرهنگی در حوزه معماری نیز ورود پیدا کرده، به‌طوری‌که در حوزه مسکن نیز علت عمدۀ تغییرات ناهمگون در سیمای بیرونی، برآمده از عوامل فرهنگی و اجتماعی معرفی شده است. پژوهش حاضر سعی در ارائه فهم دقیق‌تری از مقوله فرهنگی امر نمایشی با سنجش این مقوله فرهنگی در دو گانه «نظر» و «عمل» بر کالبد بیرونی معماری مسکن دارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر با توجه به موضوع و هدف آن، از روش آمیخته استفاده شده است. بدین منظور ابتدا به روش استدلایلی و کیفی، شاخصه‌ها پیشنهادی امر نمایشی با استفاده از مؤلفه‌های امر نمایشی مبتنی بر اندیشه نظریه پردازان انتقادی استخراج، و سپس تکنیک مصاحبه و کدگذاری داده‌ها (به صورت انتخابی و محوری) دسته‌بندی شده و نهایتاً هفت شاخصه پیشنهادی امر نمایشی تبیین گردیده‌اند. در ادامه شاخصه‌های پیشنهادی امر نمایشی با استفاده از آزمون «مقایسه میانگین» بر کالبد بیرونی مسکن در دو جامعه آماری بناهای منتخب «نهاد هنری» و «عامه» ارزیابی، و درانتها یافته‌های آزمون تفسیر گردیده است.

تبیین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد مسکن در پژوهش پیشین نگارندگان، مؤلفه‌های امر نمایشی از منظر فکری اندیشمندان قطب انتقادی با فلسفه فکری هستی‌شناسی «تضاد دیالکتیکی» و اندیشمندان قطب غیر انتقادی با فلسفه فکری «ذات انگاری» تبیین گردیده است.^{۱۸} از آن جایی که تلقی زبانی از معماری یک امر بدیهی نبوده و یک برداشت خاص فلسفی است، این پژوهش به تبیین و ارزیابی شاخصه‌های امر نمایشی مبتنی بر آراء اندیشمندان قطب انتقادی^{۱۹} پرداخته است.

به زعم بوردیو در جوامع پیشرفت، همواره شاخصه‌هایی چون علم، زیبایی‌شناسی، سرمایه، فرهنگ، نیاز و خواست مردم بر شکل مسکن تأثیرات و پیوژه‌ای دارند. لکن در کشورهای در حال توسعه -مانند ایران- تغییرات شکل مسکن به‌گونه دیگری ایجاد می‌شود؛ بروز «قدرت‌های اجتماعی»، «نیاز به تمایز»، عوض شدن برخی مفاهیم به‌واسطه «زندگی مدرن و سرمایه‌دارانه» و مفهوم خانواده که شکل ستی‌اش در حال تغییر است یک رابطه یک‌طرفه بر شکل مسکن گذاشته به‌طوری که شکل‌گیری این معیارها و نمادها، تغییراتی در شکل مسکن ایجاد کرده است.^{۲۰} فکوهی می‌گوید در کشور ایران پس از انقلاب به‌دلیل آثار گسترده جمعیتی و اجتماعی و تداوم سیل مهاجرت‌ها، رشد لجام گسیخته شهری به‌ویژه در سال‌های پس از جنگ، شهرها را به عرصه‌ای برای ظهور الگوهای بی‌محتوا و متناظرانه معماری مورد پستند گروه‌های نوکیسه فاقد هویت بدل کرده است (فکوهی، ۱۳۹۵). ناصری معتقد است هرگاه طبقه‌ای در جامعه ظهور کند که جایگاهش در میان سایر اقسام تعریفی نداشته باشد، ناگزیر برای تعریف خود سراغ طبقه بالاتر رفته و به هم‌شکلی با طبقه فرادست که نتیجه نمود آن در مسکن بیشتر به نمایش ثروت در ترازهای قابل دید همگان، هم‌چون نمای بیرونی ساختمان و یا تجهیزات تشریفاتی و تجملاتی در فضاهای داخلی بنا مانند فضای پذیرایی که بیشتر در دیدرس مهمن (تا خودی‌ها) است، ظاهر شده تا به این ترتیب خود را هم‌طبقه فرادستشان نشان دهند^{۲۱} (ارتباط شخصی، ۱۳۹۷: ۱۱).

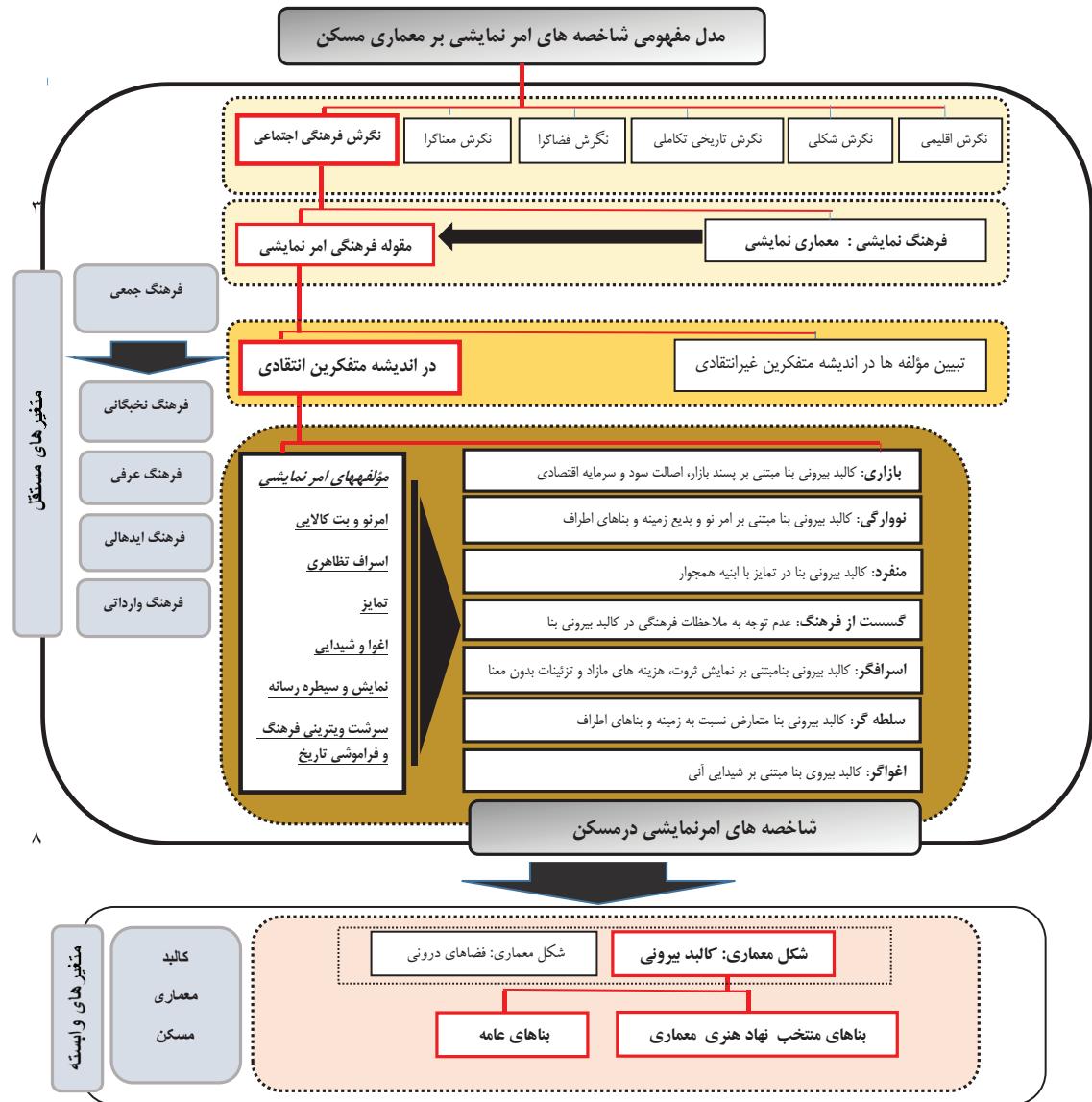
پس از استخراج مؤلفه‌های امرنماشی در اندیشه فکری صاحبنظران قطب انتقادی با استناد به پژوهش‌های محققین در جامعه ایران، شاخصه‌های پیشنهادی امرنماشی تبیین گردیده، بدین صورت که ابتدا شاخصه‌های مبتنی بر مطالعات اسنادی شامل شاخصه‌های «نووارگی»، «تمایز»، «بازاری»، «نمادین»، «اسراف‌گر»، «برساخته»، «کوتاه مدت»، «اشرافی»، «منفرد»، «بنجل»، «سلطه‌گر»، «فاقت ایدئولوژی معنایی»، «فاقت تاریخ» و «اغواگر» به دست آمده و در گام بعدی داده‌های مستخرج از مطالعات، با استفاده از مصاحبه مجددًا بازنگری شده و داده‌های پرتکرار مشخص و دسته‌بندی گردیده، از طرفی برخی شاخصه‌ها مفاهیم دیگر شاخصه‌ها را در برگرفته و از بازگویی مجدد آن پرهیز شده است. به طور مثال شاخصه «نووارگی» به جای «کوتاه مدت» و شاخصه «بازاری» به جای شاخصه‌های «برساخته» و «بنجل» دسته‌بندی و سپس کدگذاری داده‌ها انجام شده به طوری که شاخصه پیشنهادی «گیست از فرنگ» جایگزین شاخصه‌های «فاقت ایدئولوژی معنایی» و «فاقت تاریخ» شده است. شاخصه‌های امر نمایشی مبتنی بر مفاهیم آراء اندیشمندان قطب انتقادی بر کالبد مسکن در تصویر ۱ آمده است.

نظريه پردازان	مؤلفه‌های امرنماشی	پژوهش‌های مؤید	تبیین شاخصه‌های پیشنهادی	کدگذاری
		متبنی بر ادبیات پژوهش	مصاحبه	
بنیامین (۱۳۸۳)	امونو بت کالایی	ایران، جامعه کوتاه مدت؛ معماری کوتاه مدت (معظمی، ۱۳۹۵)	نووارگی	نووارگی
بوردو (۱۳۹۳)	نمایش و سیطره رسانه	سنجهن عناصر فرهنگی در تهران مردن با ارزش‌های اقتصادی (فکوهی، ۱۳۹۵)	بازاری، برساخته، بنجل	بازاری
بودریار (۱۳۹۵)	تمایز	پیشگیری از اصل «تجارت» در پوشه نامی محظوظ زیستگاه (فکوهی، ۱۳۹۵)	منفرد	منفرد
ولن (۱۳۹۲)	نمایش و سیطره رسانه	مبل به مصرف‌نمایش در حوزه معماری تحت تبلیغ رسانه (وزیری و همکاران، ۱۳۹۱).	مدوارگی	مدوارگی
باون (۱۳۹۶)	اسراف تظاهری	اسراف تظاهری یزایی نمایش پرتری موقعيت و طبقه اجتماعی (شمسي و دیگران، ۱۳۹۶).	اسراف‌گر	اسراف‌گر
دبور (۱۳۹۲)	اغوا و شیدایی آنی	هدایت جهان پست مردن نه با نیاز و نه تمایل، بلکه با «اغوا» (ذکایی، ۱۳۹۶).	اغواگر	اغواگر
جدایی مخنوم؛ خاستگاه نمایش تضییع وحدت جهان	کالاهمچون نمایش؛ جایگزینی معماری‌های کم به جایگزینی	انتقال همه جیز به فرم پیروزی معماری متشی بر سلطیحی بودن (ساخونی، ۱۳۹۹).	منفرد و وینتینی	منفرد
وحدت و افتراق در ظاهر؛ وحدت برایه نفاق جزء بنایها	پرولتاریا چون بازمود؛ سلطه نظامی اقتصادی بر معماری	منفرد	کالایی	کالایی
زمان و تاریخ؛ بدون تاریخ و در یک اکتویت دانمی	ایدئولوژی مادیت‌یافته؛ پایان ایدئولوژی در معماری	سلطه‌گر	منفرد	سلطه‌گر
جایگزینی معماری‌های کم به جایگزینی	وحدت برایه نفاق جزء بنایها	فاقت ایدئولوژی	گیست از فرنگ	گیست از فرنگ
کالاهمچون نمایش؛ جایگزینی معماری‌های کم به جایگزینی	پرولتاریا چون بازمود؛ سلطه نظامی اقتصادی بر معماری	منفرد	منابع	منابع

تصویر ۱ - تبیین شاخصه‌های امر نمایشی مبتنی بر مفاهیم آراء اندیشمندان قطب انتقادی

نهایتاً شاخصه‌های پیشنهادی امر نمایشی به تعداد هفت مورد شامل «نووارگی» (مبتنی بر امر نو و بدیع)، بازاری (مبتنی بر پسند بازار، سود و سرمایه اقتصادی)، اسراف‌گر (پرهزینه، پرتریتینات و مبتنی بر نمایش ثروت)، منفرد (در تمایز با زمینه و بناهای اطراف)، سلطه‌گر (متعارض به زمینه و بناهای اطراف)، گیست از فرنگ (عدم توجه به ملاحظات فرهنگی)، اغواگر (مبتنی بر شیدایی آنی) «تثبیت شده است. مدل مفهومی شاخصه‌های امر نمایشی بر معماري مسكن در تصویر ۲ آمده است.

انتخاب جامعه آماری مورد تحلیل در دو دسته بناهای مسکونی منتخب معماري‌های نهاد هنری و معماري‌های عامه مورد بررسی قرار گرفته است. دسته اول جامعه آماری معماري‌های هنری به روش مطالعات اسنادی و نمونه‌گیری با تکنیک مدل هدفمند انجام شده که شامل بناهای مسکونی برگزیده مسابقات سالانه کشوری (در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷) در ایران است. از آن جایی که شهر تهران بهدلیل موقعیت خاص این شهر که پاixخت بودن است اهمیت دارد و خواسته یا ناخواسته آن را به مدلی برای ایرانیان تبدیل کرده است و بسیاری از اتفاقات یا طرح‌های اجرا شده در آن، به سرعت به وسیله شهرهای دیگر کشور الگوبرداری می‌شود (فکوهی و دیگران، ۱۳۹۵، ۴۹۰)، بناهای برگزیده از شهر تهران انتخاب شده است. جامعه آماری شامل تعداد صد بنای مسکونی بوده که تعداد بناها برای تهیه پرسشنامه مصوب و مدل ارزشیابی بهدلایل ذیل به چهل مورد کاهش یافته است؛ ابتدا بهدلیل این که مقوله امر نمایشی در دیدگاهی مقایسه‌ای با بناهای اطراف قابل بررسی است درنتیجه آثار منفرد، بهصورت تک‌ویلایی حذف گردیده‌اند، و دیگر این که بناهای مسکونی بلند مرتبه (بالای هشت طبقه) بهدلیل دخالت سایر عوامل، مانند تأثیرگذاری ارتفاع طبیعی ساختمان از دید ناظر، حذف گردیده و درنتیجه در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه مصوب از چهل بنا تنظیم و در اختیار هشت استاد دانشگاه در رشته معماري قرار گرفت. در این مرحله نیز بهدلیل مشابهت بناهایی که ارزیابی یکسان داشته‌اند، تعداد مصاديق به بیست مورد تقلیل یافت.

تصویر ۲ - مدل مفهومی شاخصه های امر نمایشی بر مسکن^{۳۲}

انتخاب جامعه آماری مورد تحلیل در دو دسته بناهای مسکونی منتخب معماری های نهاد هنری و معماری های عامه مورد بررسی قرار گرفته است. دسته اول جامعه آماری معماری های هنری به روش مطالعات استاندی و نمونه گیری با تکنیک مدل هدفمند انجام شده که شامل بناهای مسکونی برگزیده مسابقات سالانه کشوری (در بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۷) در ایران است. از آن جایی که شهر تهران به دلیل موقعیت خاص این شهر که پایتخت بودن است اهمیت دارد و خواسته یا ناخواسته آن را به مدلی برای ایرانیان تبدیل کرده است و بسیاری از اتفاقات یا طرح های اجرا شده در آن، به سرعت به وسیله شهرهای دیگر کشور الگوبرداری می شود (فکوهی و دیگران، ۱۳۹۵، ۱۳۹۰، ۴۹۰)، بناهای برگزیده از شهر تهران انتخاب شده است. جامعه آماری شامل تعداد صد بنای مسکونی بوده که تعداد بناهای برای تهییه پرسشنامه مصور و مدل ارزشیابی به دلیل چهل مورد کاهش یافته است؛ ابتدا به دلیل این که مقوله امر نمایشی در دیدگاهی مقایسه ای با بناهای اطراف قابل بررسی است درنتیجه آثار منفرد، به صورت تکویلایی حذف گردیده اند، و دیگر این که بناهای مسکونی بلند مرتبه (بالای هشت طبقه) به دلیل دخالت سایر عوامل، مانند تأثیرگذاری ارتفاع طبیعی ساختمان از دید ناظر، حذف گردیده و درنتیجه در مرحله پیش آزمون، پرسشنامه مصور از چهل بنای تنظیم و در اختیار هشت استاد دانشگاه در رشتۀ معماری قرار گرفت. در این مرحله نیز به دلیل مشابهت بناهایی که ارزیابی یکسان داشته اند، تعداد مصاديق به بیست مورد تقلیل یافت.

از آن جایی که شهر دوم (جامعه آماری دوم) نباید اثربازار و یا الگو برای سایر شهرها باشد، به این دلیل شهرهای خرد در اولویت نسبت به کلان شهرها (کلان شهرها قدرت الگو گذاری دارند) قرار گرفت. از طرفی توجه به هفت شاخصه امر نمایشی که در تحقیق به دست آمده برای انتخاب شهر دوم ضروری بوده است. مانند داشتن سابقه شهریت سنتی شهری بدین معنا که شهری نوظهور نباشد تا بتوان مفهوم به طور مثال شاخصه «گستاخ از فرهنگ» را هم در آن شهر دنبال کرد و تغییرات فرهنگ قبل و بعد قابل مطالعه باشد (شهری با سابقه ۱۰ یا ۱۵ سال نمی‌تواند پاسخگوی شاخصه گستاخ از فرهنگ باشد). همچنین از نظر ابعاد جمعیتی در آمار کشوری یک شهر متوسط محسوب شود و کلان شهر نباشد و البته جمعیتی در محدوده روستا هم نداشته باشد. در کلان شهرها معماری های نهاد هنری در دید عموم مردم (تجربه مستقیم) قرار دارد در حالی که در شهرهای خرد این تجربه غیرمستقیم است. بنابراین الگوییزیری از معماری نهاد هنری در این شهرها می‌تواند از طریق رسانه و سایر ارتباطات جمعی صورت گرفته باشد. این وضعیت به صورت تجربه زیسته و تجربه حرفاًی نگارنده اول تحقیق، انتخاب گردیده که این امر نقش مهمی در مراحل مربوط به مصاحبه و مشاهدات میدانی از نزدیک داشته است. بناهای منتخب معماری های «عامه» بناهای مسکونی قشر مرفه شهر شاهروند است. زیرا همان طور که در پیش تر نیز اشاره شد، بناهای افراد متمنک و جلوه های معماری بناهای شان بیشترین تأثیر را بر معماری بناهای عامه دارد (گروت و وانگ، ۱۳۹۰: ۳۴۳) و قشر مرفه جامعه از «قدرت نمایش» و «الگو گذاری» بر سایر اشاره جامعه برخوردار است. حجم نمونه به روش میدانی و روش نمونه گیری مدل هدفمند بوده؛ بدین منظور با تشخیص شخصی، مراجعه به دفاتر معماران قشر مرفه شهر شاهروند و مناطق بالادست شهر، مصادیق انتخاب و بدین ترتیب بیست پرسشنامه مصور (مدل ارزشیابی) از کالبد بیرونی معماری خانه های «قشر مرفه» در اختیار هشت نفر از اساتید دانشگاه در رشته معماری و ترجیحاً دارای تخصص در امر مسکن قرار گرفته است.^{۳۳} موروری بر فاکتورهای روش پژوهش در بخش کمی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- موروری بر فاکتورهای روش پژوهش در بخش کمی

ابزار تحلیل داده ها	روش گردآوری داده ها	روش گردآوری داده ها	تکنیک گردآوری داده ها	متغیر واپسنه	متغیر مستقل	جامعه آماری بناها	جامعه آماری پاسخ دهنده کان	روش نمونه گیری
آزمون مقایسه میانگین	اسنادی	مطالعه	پرسشنامه مدل ارزشیابی	کالبد بیرونی منتخب بناهای نهاد هنری معماری	شاخصه های پیشنهادی امر نمایشی	بنهای مسکونی برگزیده مسابقات معماری	هشت نفر استاد دانشگاه در رشته معماری	مدل هدفمند: بناهای داخل بافت شهری باها با تراکم متوسط
آزمون مقایسه میانگین	روش میدانی	پرسشنامه مدل ارزشیابی	کالبد بیرونی بنهای عامة	شاخصه های پیشنهادی امر نمایشی	بنهای مسکونی قشر مرفه شهر شاهروند	هشت نفر استاد دانشگاه در رشته معماری	مدل هدفمند: تشخیص شخصی مراجعه به دفاتر معماران قشر مرفه مراجعه به مناطق بالادست شهر	

ارزیابی و مقایسه شاخصه های امر نمایشی: برای ارزیابی شاخصه های پیشنهادی امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن منتخب معماری های نهاد هنری و عامه از آزمون مقایسه میانگین^{۳۴} استفاده شده است. لازم به ذکر است که در آزمون مقایسه میانگین میان دو جامعه آماری بایستی چهار پیشفرض رعایت شود؛ (الف) متغیری که میانگین آن در دو گروه مستقل مقایسه می شود باید کمی باشد، (ب) مقیاس متغیری که در آن مقایسه انجام می شود باید کیفی و در سطح اسمی (دو و چهی) باشد، (ج) متغیری که در آن مقایسه میانگین انجام می شود باید مستقل و از دو جمعیت متفاوت باشد، (د) توزیع داده های متغیری که میانگین آن در دو گروه مستقل مقایسه می شود باید نرمال باشد (مرادی ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر سه شرط نخست برقرار است، اما بایستی در بخش پیش پردازش، شکل توزیع متغیرهای پژوهشی بررسی شده و مشخص شود که توزیع داده ها نرمال است. بدین ترتیب از آزمون چولگی یا کشیدگی و سپس جهت تدقیق بیشتر از آزمون شاپیرو-ولیک^{۳۵} و دیگری آزمون کلموگروف- اسمیرنوف^{۳۶} استفاده شده است. با توجه به تعداد ۲۰ عددی حجم نمونه، نخست چولگی بررسی شده که مطابق جدول ۲ در بازه ۲ و ۲- قرار داشته و بدین ترتیب توزیع داده ها نرمال است.

جدول ۲- بررسی میزان چولگی داده‌ها

	اسرافگر	اغواگر	نوجایی	بازاری	منفرد	سلطه گر	گسست از فرهنگ
N	40	40	40	40	40	40	40
Valid							
Missing	0	0	0	0	0	0	0
Skewness	0.201	0.098	0.437	0.266	0.189	0.272	0.308
Std Error of Skewness	0.374	0.374	0.374	0.374	0.374	0.374	0.374
Kurtosis	-1.238	-0.205	0.351	-1.498	-0.824	-1.170	-1.486
Std Error of Kurtosis	0.733	0.733	0.733	0.733	0.733	0.733	0.733

در صورتی که مطابق تحلیل‌های استنباطی آزمون شاپیرو-ولک و آزمون کلموگروف-اسمیرنوف در جدول ۳ بازه به ۱ و ۱- تقلیل داده شود، داده‌ها نرمال نبوده و بهمین جهت برای اطمینان بیشتر در اعتبار خروجی‌ها از هر دو آزمون «پارامتریک» و «ناپارامتریک» استفاده شده است.

جدول ۳- بررسی آزمون شاپیرو-ولک و آزمون کلموگروف-اسمیرنوف داده‌ها

	آزمون کلموگروف-اسمیرنوف			آزمون شاپیرو-ولک		
	Statistic	df	sig	Statistic	df	sig
اسرافگر	0.273	40	0.000	0.839	40	0.000
اغواگر	0.226	40	0.000	0.885	40	0.001
نوجایی	0.321	40	0.000	0.827	40	0.000
بازاری	0.271	40	0.000	0.800	40	0.000
منفرد	0.259	40	0.000	0.852	40	0.000
سلطه گر	0.244	40	0.000	0.854	40	0.000
گسست از فرهنگ	0.246	40	0.000	0.806	40	0.000

یافته‌های تحقیق

برای فرض آماری توزیع نرمال داده‌ها از آزمون T^2 و برای تفسیر جداول مربوط به آزمون T^2 بهره‌گیری شده است. مطابق جدول مقدار sig در «اغواگری» و «منفرد» 0.267 و 0.0098 بدست آمده است. چون میزان sig از مقدار 0.005 بزرگتر است پس می‌توان نتیجه گرفت که دو نمونه مورد نظر آماری با یکدیگر اختلاف معنی‌داری ندارند. به عبارت دیگر: «شاخص اغواگری و منفرد بودن در رویکرد و طراحی‌های منتخب هنری و حرفة‌ای با هم متفاوت نیست». و «در پنج شاخص دیگر تفاوت معناداری در رویکرد و طراحی‌های هنری و حرفة‌ای وجود دارد». آزمون لوین با فرض نرمال بودن داده‌ها در جدول ۴ ارائه گردیده است.

جدول ۴- آزمون لوین برای تفسیر داده‌ها

	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means						
	F	Sig.	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
								Lower	Upper
اسرافگری	Equal variances assumed	9.913	0.003	-3.803	38	0.001	-1.10000	0.28928	-1.68562 -0.51438
	Equal variances not assumed			-3.803	30.476	0.001	-1.10000	0.28928	-1.69041 -0.50959
اغواگری	Equal variances assumed	0.939	0.339	-1.125	38	0.267	-0.30000	0.26656	-0.83962 0.23962
	Equal variances not assumed			-1.125	36.928	0.268	-0.30000	0.26656	-0.84013 0.24013
نوجایی	Equal variances assumed	4.539	0.040	5.357	38	0.000	0.95000	0.17733	0.59101 1.30899
	Equal variances not assumed			5.357	33.372	0.000	0.95000	0.17733	0.58936 1.31064
بازاری	Equal variances assumed	12.052	0.001	-6.378	38	0.000	-1.70000	0.26656	-2.23962 -1.16038
	Equal variances not assumed			-6.378	26.849	0.000	-1.70000	0.26656	-2.24707 -1.15293
منفرد	Equal variances assumed	0.390	0.536	-1.696	38	0.098	-0.45000	0.26532	-0.98711 0.08711
	Equal variances not assumed			-1.696	36.791	0.098	-0.45000	0.26532	-0.98769 0.08769
سلطه گری	Equal variances assumed	10.614	0.002	-2.865	38	0.007	-0.90000	0.31414	-1.53594 -0.26406
	Equal variances not assumed			-2.865	29.847	0.008	-0.90000	0.31414	-1.54170 -0.25830
گسست از فرهنگ	Equal variances assumed	10.955	0.002	-6.596	38	0.000	-1.75000	0.26532	-2.28711 -1.21289
	Equal variances not assumed			-6.596	27.297	0.000	-1.75000	0.26532	-2.29411 -1.20589

آزمون من ویتنی^{۴۰} با فرض آماری نرمال نبودن توزیع داده‌ها استفاده شده است. مطابق جدول ۶ مقدار Sig. در "اغواگری" و "منفرد" ۰.۱۵۳ و ۰.۰۹۲ بدل است آمده است. چون میزان Sig. از مقدار ۰.۰۵ بزرگتر است پس دو نمونه مورد نظر از نظر آماری با یکدیگر اختلاف معنی‌داری نداشته و بدین ترتیب با توجه به برابری نتایج دو آزمون پارامتریک و ناپارامتریک، صحت خروجی آزمون‌ها اثبات گردیده است. آزمون من ویتنی با فرض نرمال نبودن داده‌ها در جدول ۵ ارائه گردیده است.

جدول ۵- آزمون من ویتنی با فرض نرمال نبودن داده‌ها

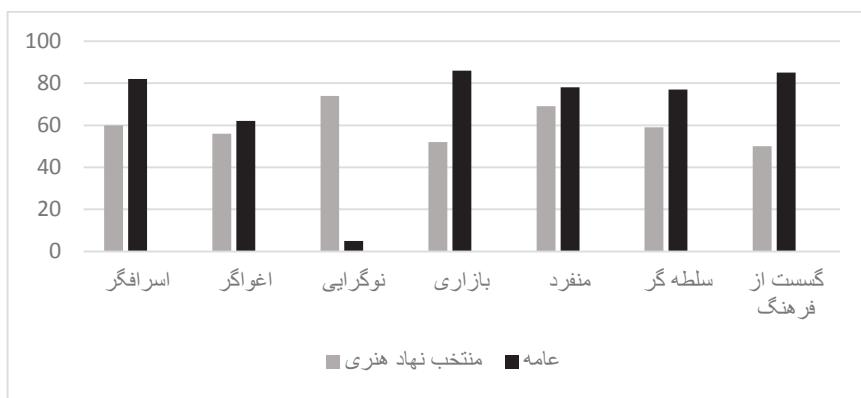
	اسرافگر	اغواگر	نوگرایی	بازاری	منفرد	سلطه گر	گسست از فرهنگ
Mann-Whitney U	87.000	150.500	60.000	50.000	141.500	112.000	45.000
Wilcoxon W	297.000	360.500	270.000	260.000	351.500	322.000	255.000
Z	-3.229	-1.430	-4.254	-4.282	-1.686	-2.482	-4.391
Asymp.sig.(2-tailed)	0.001	0.153	0.000	0.000	0.092	0.013	0.000
Exact sig.[2*(1-tailed sig.)]	0.002b	0.183b	0.000b	0.000b	0.114b	0.017b	0.000b

پس از اثبات صحت داده‌ها در دو آزمون پارامتریک و ناپارامتریک داده‌ها به تفکیک در دو حوزه انجام شده است. بدین ترتیب دو شاخصه «منفرد» و «نوگرایی» اثرگذارترین و شاخصه‌های «گسست از فرهنگ» و «بازاری» کم اثرترین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن منتخب معماری‌های نهاد هنری بوده است. اثرگذارترین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن عامه «گسست از فرهنگ» و «بازاری» و کم اثرترین شاخصه «نوگرایی» بوده است. تفاوت میانگین شاخصه‌های امر نمایشی بر دو حوزه منتخب در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶- تفاوت میانگین شاخصه‌های امر نمایشی بر دو حوزه منتخب

	اسرافگر	اغواگر		نوگرایی		بازاری		منفرد		سلطه گر		گسست از فرهنگ
N Valid	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰
Missing	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
Mean	۴.۱	۳	۳.۱	۲.۸	۲.۷	۳.۷	۴.۳	۲۶	۳.۹	۳.۴	۳.۸	۲.۹
Mode	۵	۳	۴	۳	۳	۴	۵	۳	۴	۳	۵	۳
Std.Deviation	۱.۱	۰.۶۴	۰.۹	۰.۷۶	۰.۴۴	۰.۶۵	۱	۰.۵	۰.۹	۰.۷۵	۱.۲	۰.۵۸
Sum	۸۲	۶۰	۶۲	۵۶	۵	۷۴	۸۶	۵۲	۷۸	۶۹	۷۷	۵۹
	عامه	منتخب	عامه	منتخب	عامه	منتخب	عامه	منتخب	عامه	منتخب	عامه	منتخب
	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد	نهاد
	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری	هنری

به طوری که دو شاخصه گسست از فرهنگ و بازاری در بناهای منتخب حوزه هنری کم اثرترین و بر عکس در بناهای منتخب معماری‌های عامه بیشترین اثرگذاری را داشته بدین معنا که «اثرگذارترین شاخصه‌ها بر کالبد مسکن معماری‌های عامه، کم اثرترین شاخصه بر کالبد بیرونی مسکن منتخب معماری‌های نهاد هنری به شمار آمده است». نمودار میله‌ای مقایسه شاخصه‌های امر نمایشی دو حوزه در تصویر ۳ آمده است.



تصویر ۳- نمودار میله‌ای مقایسه شاخصه‌های امر نمایشی بر منتخب بناهای نهاد هنری معماری و معماری‌های عامه

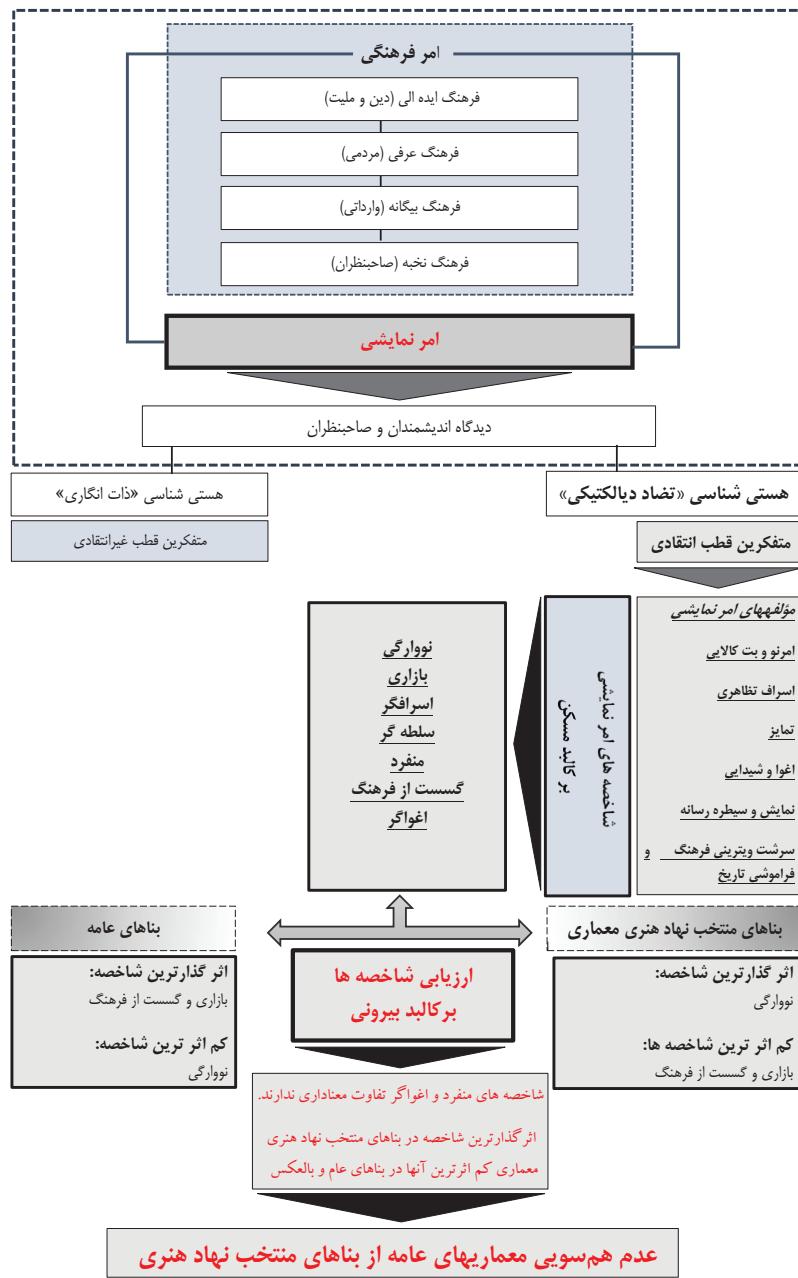
بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش مبتنی بر چارچوب نظری اندیشمندان انتقادی، تعداد هفت شاخصه‌ی امر نمایشی بر مسکن تبیین شده و سپس ارزیابی و مقایسه شاخصه‌های پیشنهادی دو جامعه آماری منتخب نهاد هنری معماری یعنی کالبد بیرونی بناهای برگزیده مسابقات معماري و جامعه آماری معماری عامه بناهای قشر مرتفع شهر انجام پذیرفته است. ارزیابی شاخصه‌ها در معماري‌های عامه نشان می‌دهد که اثرگذارترین شاخصه‌های امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن، دو شاخصه «گلست‌از فرهنگ» و «بازاری» بوده و کم اثرترین شاخصه «نوگرایی» می‌باشد. می‌توان گفت گرایش کالبد بیرونی بناها به سمت صفاتی چون «اغواگری» و «اسرافگری» و همچنین سایر شاخصه‌ها جهت کسب امتیاز «انحصاری بودن» است. درباره شاخصه «گلست‌از فرهنگ» می‌توان گفت فرهنگ زندگی، به خصوص زمانی که از دیدگاه طبقاتی بررسی شود، با خودش خرد فرهنگ‌هایی به همراه دارد و خرد فرهنگ‌ها در جامعه کوتاه مدت ایران به گونه‌ای است که همواره معماری آن برآمده از فرهنگ دوره و بازه زمانی خاصی است. خرد فرهنگ‌ها در قشر ممکن جامعه، در بازه زمانی کوتاه زنده بوده و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه که متغیر هستند، تغییر کرده و به واسطه آن یک خرد فرهنگ تولید یک نوع ریختار و سپس رفتار و نهایتاً یک نوع مدگرایی را جایگزین می‌کند. در جامعه ایران تغییر این خرد فرهنگ‌ها به قدری زیاد است که به حوزه معماری هم وارد شده و موجبات گلست فرهنگی را فراهم می‌سازد. در حوزه معماری عامه حتی اگر خاص بودن منجر به اسرافگری شود، برای مخاطب مسکن امروز ایران، معیار تعیین سلیقه و طرح برتر بوده و نشانه گران‌بهایی و متمایز بودن، هم‌ارزش با معنای زیبایی است! این که چیزی را خاص و متمایز جلوه دهیم و انحصاری از آن خود کنیم، رفته رفته نمایندگان ندارند، هرچند که آن هزینه از ضروریات نبوده و جنبه اسرافی داشته باشد. به طور مثال به تولید و تکثیر زیاد نماهای سبک رومی در بناهای قشر مرتفع در دهه اخیر که منجر به تقلید و تکثیر زیاد آن در سایر اقسام جامعه نیز شده می‌توان اشاره نمود. در حالی که حتی یک بنا با این سبک در مسابقات معماري، برگزیده و یا دریافت کننده جایزه‌ای نبوده است.

بیشترین اختلاف میان گروه‌های منتخب نهاد هنری و عامه مربوط به شاخصه «نوگرایی» است. همان‌طور که گفته شد در کلان شهرها تجربه مستقیم از معماری‌های نهاد هنری وجود دارد. در شهرهای خرد این تجربه غیرمستقیم بوده و الگویی برگزیده از معماری نهاد هنری در این شهرها می‌تواند از طریق رسانه و سایر ارتباطات جمعی صورت گرفته باشد. شاخصه‌هایی چون «نوگرایی» در کلان شهر تهران تولید شده و مردم وقتی در تهران با این شاخصه‌ها در بنا مواجه می‌شوند، مستقیماً نوگرایی را در تهران مشاهده و دریافت می‌کنند. اختلاف معاصر میان مقایسه میانگین دو گروه در این شاخصه گویای گرته برداری شهرهای خرد از یک الگوی تولید شده و تکرار و تکثیر آن می‌باشد که فقد نوادری است. به طوری که «منفرد» شدن بنا را با شاخصه‌هایی چون گلست فرهنگ، بازاری و یا اسرافگری تأمین کرده و بنایر این متأثر از معماری نهاد هنری نبوده است.

در بناهای برگزیده مسابقات شاخصه‌های «منفرد» و «نوگرایی» اثرگذارترین و شاخصه‌های «گلست‌از فرهنگ» و «بازاری» کم اثرترین شاخصه‌ی امر نمایشی بر کالبد بیرونی مسکن بوده است. نتیجه این که اثرگذارترین شاخصه‌های امر نمایشی «بازاری» و «گلست‌از فرهنگ» در بناهای عامه، کم اثرترین شاخصه در بناهای برگزیده مسابقات معماري بوده و بالعکس. بدین معنا که به نظر می‌رسد معماری‌هایی که روند کلی و عمومی محیط مصنوع جامعه را تشکیل می‌دهند، تابع نظر نهاد هنری معماری جامعه نبوده و این نهاد در شکل‌دهی کالبد بیرونی

مسکن، «میدان» لازم به زعم بوردیو - برای تبعیت عامه از خود را ندارد. هرچند واکاوی علل این عدم همسویی می‌تواند طرح پرسشی برای پژوهش‌های آتی بهشمار آید. در پایان باید گفت بررسی نمونه موردی در این پژوهش برای «تعییم» نظریه اصلی (هفت شاخصه امر نمایشی) و نه «تفییر» آن است و با نمونه موردی (به‌طور مثال شهر شاهروд) نظریه اثبات نمی‌شود. بدین معنا که در پژوهش حاضر با انتخاب شهرهای مختلف برای مسکن عامه، شاخصه‌های امر نمایشی تغییری نمی‌کنند و نگارندگان تنها ارجاع پذیری را در یک فضای همگن و کوچک مورد سنجش قرار داده‌اند و نمونه شهر انتخاب شده تنها برای بررسی و تحقیق «کارایی» نظریه بوده و در پی «اثبات» آن نیست. به‌طوری‌که می‌توان گفت شهری که قرار است با تهران مقایسه شود به هر میزان که فضای طبیعی و یا زمینه‌اش متمایز از تهران باشد، این مقایسه بهتر صورت می‌گیرد. بدین ترتیب می‌توان در پژوهش‌های ایران واجد شرایط با بناهای برگزیده مسابقات پایتخت از نظر میزان اثرگذاری شاخصه‌های مقوله فرهنگی امر نمایشی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرند. تبیین مقوله فرهنگی امر نمایشی و ارزیابی شاخصه‌های آن بر منتخب بناهای نهاد هنری معماری و معماری‌های عامه در مدل تحقیق تصویر ۴ آمده است.



تصویر ۴- ارزیابی شاخصه‌های امر نمایشی بنایه‌ای منتخب نهاد هنری و بنایه‌ای عامه در مدل تحقیق

منابع

- ابراهیمی‌نیا، س.، افشاری، س.، و روحانی، ع. (۱۳۹۷). از مصرف‌پایی تا حسرت مصرف. *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۴(۲۹)، ۱۲۳-۱۴۶.
- افشاری، س.، روحانی، ع.، و ابراهیمی‌نیا، س. (۱۳۹۷). زن در فرهنگ و هنر. ۱۰(۲)، ۱۵۳-۱۷۵.
- باومن، ز. (۱۳۹۶). چاپ چهارم. اشاره‌های پست‌مدرنیت. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: ققنوس.
- بودریار، ژ. (۱۳۹۵). جامعه مصرفی. چاپ ششم. (پیروز ایزدی، مترجم). تهران: ثالث. (نشراثر اصلی ۲۰۰۷).
- بوردیو، پ. (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوتهای ذوقی. (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: ثالث.
- تاج بخش، گ. (۱۳۸۳). والتر بنیامین: دگرگونی تجربه و خاطره در عصر جدید و کلان شهر مدرن. *نشریه هنرهای زیبا*. ۲۰(۵)، ۱۶-۱۶.
- دبور، گ. (۱۳۹۲). جامعه نمایش: تفسیرهایی در باب جامعه نمایش. (بهروز صفری، مترجم). تهران: آگه. (نشر اثر اصلی ۱۹۶۷).
- ذکایی، م.، و امیدی، م. (۱۳۹۶). مدرنیته، شهر و مصرف. *جامعه پژوهی فرهنگی*. ۸(۲)، ۳۳-۵۰.
- شخصی، ش.، فلامکی، م.، و جواهری پور، م. (۱۳۹۶). معماری مسکونی امروز شهر تهران و پرولماتیک فرهنگ از منظری جامعه شناختی. *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. ۲۹(۲)، ۸۵-۱۰۶.
- شخصی، ش.، فلامکی، م. (۱۳۹۳). رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی. *فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*. ۶(۳)، ۱۱۷-۱۳۷.
- صابون‌چی، م.، ذبیحی، ح.، و ماجدی، ح. (۱۳۹۹). رویکرد نشانه‌شناختی به تحلیل فرم در معماری معاصر. *معماری و شهرسازی آرمان شهر*. ۱۳(۳۰)، ۱۳۹-۱۴۹.
- ظفرمندی، س.، و ایمانی، ن. (۱۳۹۴). معماری رومی در مقابل معماری بومی. *صفه*. ۲۱(۲)، ۲۸-۵۰.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۸). جاده‌ای صاف، برای تک‌تازی قلدری. *آزماء*. ۱۳۶(۴)، ۳۹-۴۱.
- فکوهی، ن.، سیاوش‌پور، ف.، والا، م.، امامی، م.، غزنویان، ز.، اجتهاد‌زادکاشانی، س.، و همکاران. (۱۳۹۵). انسان‌شناسی فرهنگی شهر تهران، چاپ اول. تهران: تیسا.
- فکوهی، ن. (۱۳۹۸). نگاهی انسان شناختی به نمای زیستگاهی. *کوچه*. ۱۲(۱)، ۱۲-۱۵.
- قدسی، ع.، و مردان‌پور شهرکردی، ا. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی و نشانه‌های اختلال شخصیت نمایشی در دانش‌آموzan. *جامعه‌شناسی معاصر*. ۲۱(۲)، ۵۱-۶۹.
- کمالی، ز.، و اکبری، م. (۱۳۸۷). والتر بنیامین و هنر بازتولید پذیر. *پژوهش‌های فلسفی*. ۱۴(۱)، ۱۲۵-۱۴۶.
- گافمن، ا. (۱۳۹۶). نمود خود در زندگی روزمره. چاپ چهارم. (مسعود کیانپور، مترجم). تهران: نشر مرکز گرونر، ا. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی سلیقه*. (مسعود کیانپور، مترجم). تهران: مرکز.
- مرادی. (۱۳۹۵). آکادمی تحلیل آماری ایران، بازیابی ۹ اردیبهشت، ۱۳۹۷، از www.analysisacademy.com
- ناری قمی، م.، تهرانی، س.، رجاء قمی، م.، عباس‌زاده، م.، و محلاتیان، ع. (۱۳۹۴). پارادایم‌های مسئله در معماری، (چاپ اول). تهران: مؤسسه علم معمار.
- وزیری، ۵. بهروان، ح.، و یوسفی، ع. (۱۳۹۱). مصرف نمایشی پوشک و عوامل مؤثر بر آن. *علوم اجتماعی*. ۲۰(۲)، ۱۸۳-۱۹۸.
- گروت، ل.، و وانگ، د. (۱۳۹۰). روش‌های تحقیق در معماری. (علی‌رضا عینی فر، مترجم). چاپ چهارم. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- Brown, D. S. (1973). Learning from pop. *The Journal of Popular Culture*, 7(2), 387-401.
 - Rowe, G., & Wright, G. (1999). The Delphi technique as a forecasting tool: issues and analysis. *International journal of forecasting*, 15(4), 353-375.
 - Venturi, R., Scott Brown, D., & Izenour, S. (1977). Learning from Las Vegas: the forgotten symbolism of architectural forms. *Venturi, DS Brown, S. Izenour*.
 - William Jr, A. (Ed.). (2008). International encyclopedia of the social sciences.

پی‌نوشت‌ها

The presentational –۱
cultural performance –۲
Goffman –۳
Denise Scott Brown –۴
Learning from Pop –۵
Rationalist architecture –۶
Public architecture –۷
Robert Venturi –۸
Steven Izenour –۹
Original architecture –۱۰
Ordinary architecture –۱۱
Benjamin –۱۲
Veblen –۱۳
Blue Horizon City –۱۴
Sigmund Baumann –۱۵
Baudrillard –۱۶
Debord –۱۷

۱۸- پژوهش حاضر در ادامه مقاله پژوهشی چاپ شده نگارندگان با عنوان «تبیین مؤلفه‌های امر نمایشی در نسبت با فرهنگ و معماری (مبتنی بر آراء اندیشمندان انتقادی و غیر انتقادی)» در مجله علمی پژوهشی «هویت شهر» انجام پذیرفته است.

۱۹- در چارچوب انتقادی، فرهنگ یک بر ساخته اجتماعی است و متفکرین این دستگاه به دلیل مخالفت بنیادی با ذات انگاری، راه ممکن هستی شناسی را از طریق «تصادم» می‌دانند.

۲۰- با نگاهی به معماری از دریچه نگرش فرهنگی اجتماعی، می‌توان تأثیرات تغییر در سبک زندگی و تغییر معیارها و شاخصه‌های برخواسته از فرهنگ مردمی را بر کالبد مسکن پیدا کرد. به زعم امینیان و عینی فر در کشور ایران به واسطه شرایط اجتماعی و اقتصادی، پول‌هایی وارد زندگی مردم می‌شود که یکی از راههای مصرف آن پرداختن به «تجمل گرایی» است. نکته مهم این که قفسی از جامعه که قدرت تجمل گرایی دارند، به واسطه‌ی قدرت اقتصادی، در زمانی که به قدرت سیاسی نیز نزدیک شوند، هم قدرت «نمایش» و هم قدرت «الگوگذاری» بر سایر اقتشار جامعه را پیدا می‌کنند. در میان اقسام مرffe، متوسط و ضعیف در جامعه ایران، «قشر مرffe» واجد دو شرایط ذکر شده می‌باشد. بنابراین سبک زندگی با طبقه اجتماعی رابطه مستقیم داشته و این دو بر شکل مسکن اثرگذار می‌باشند. مفهوم طبقه در یک سیر تاریخی با عوض شدن رویکردهای ذهنی و عینی و اضافه شدن سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی، جای خود را به مفهوم سبک زندگی داده است. امروزه برای تقسیم گروههای اجتماعی از مفهوم سبک زندگی به جای مفهوم طبقه استفاده می‌شود. سبک زندگی خود دارای معیارهای ارزشی رفتاری بوده که تجمیع آن‌ها شاخصه‌هایی را ایجاد کرده که این شاخصه‌ها مفاهیم هویتی در برداشته و به تعبیر بوردیو «نماییز» در آن نهفته است. تا زمانی که وحدت گروهی ایجاد شود و مفاهیم «منزلت اجتماعی» موجب شکل گیری قشریندی اجتماعی و اقتصادی گردد (ارتباط شخصی، ۱۰ آبان ۱۳۹۷).

۲۱- انصاری می‌گوید مفهوم فضایی با عنوان «اتفاق پذیرایی» ماحصل این دوره تاریخی می‌باشد؛ فضایی که تا قبل از آن تعریفی نداشت. در خانه‌های اعیانی و کاخ‌ها فضایی با عنوان اتفاق پذیرایی تعریفی نداشته و به بیانی همه فضاهای مسکن اعیانی مجهر و به اصطلاح لوس بوده است. در حالی که فضای پذیرایی در مسکن قشر خرد بورژوا ظاهر می‌شود؛ فضایی که از مبتدی فضاهای مجهرتر بوده و نمایشی از ثروت در این فضا شکل می‌گیرد که مخصوص مهمنان بوده، و بقیه فضاهای فاقد این میزان تجملات و نمایش ثروتمندی می‌باشد. با گذشت زمان این قفسه به مرور قوت گرفته تا جایی که مجلس اعیان و عوام شکل می‌گیرد. عوام به تعبیری همین قشر خرد بورژوا است که اینک جایگاهی برای خود پیدا کرده و در سیاست مقابل اعیان می‌ایستد. مقوله اسراف و نمایش ثروت از این دوره تاریخی در اروپا نمایان شده و در کشور ایران نیز هرجا ثروت ناگهانی بدست آمده، این اتفاق رخداده است. بدین معنا که هرگاه طبقه‌ای در جامعه ظهور کند که جایگاهش در میان سایر اقتشار تعریفی نداشته باشد، ناگری برای تعریف خود سراغ طبقه بالاتر از خود رفته و به هم‌شکلی با طبقه فرادست می‌پردازد (ارتباط شخصی، ۱۲ اسفند ۱۳۹۷).

۲۲- دسته‌بندی اولیه مدل مفهومی (نگرش اقلیمی، نگرش شکلی، نگرش تاریخی تکاملی، نگرش فضایگرا، نگرش معناگرا و نگرش فرهنگی اجتماعی) بر اساس کتاب سیری در مبانی نظری معماری دکتر غلام‌حسین معماریان ارائه گردیده است.

-۲۳- لازم به ذکر است تعداد نیروی نخبه برای پاسخ‌دهی به سوالات بایستی حداقل ۷ و حداً کثر ۱۵ نفر باشد، زیرا تعداد پایین‌تر از ۷ نفر جامعه آماری پاسخ‌دهندگان منجر به عدم پایابی و تعداد بیشتر از ۱۵ نفر جامعه آماری پاسخ‌دهندگان منجر به یکدستی پاسخ‌ها و عدم تمایز بین شاخصه‌های متفاوت می‌باشد (Rowe and Wright, 1999).

Mean comparison test -۲۴

Shapiro-Wilk -۲۵

Kolmogorov-Smirnov -۲۶

T-TEST -۲۷

Levene's Test -۲۸

mann-whitney -۲۹

پیوست ۱. بناهای مسکونی برگزیده و کسب کننده جوایز مسابقات کشوری معمار، تهران (منبع: نگارندهان با اقتباس از <http://iranian-architect.ir>)

شماره	نام پروژه	اندیشه طراحان	شماره	نام پروژه
۱-جذبه ایجاد خانه		۱. ایجاد سایه‌های متعدد روی نما و کنترل نور ، نمایی سبک‌مدی، عدم امکان ایجاد تراس و فضای منتهی در نمای خارجی، امکان دید به بیرون بیرون دیده شدن با پوسته سبک‌مدی آجری موجود (مشهدی‌مرزا، ۱۳۹۰).	۱-جذبه ایجاد خانه	
۲-ساختن ساختمان مسکونی مادر		۲. در بخش‌های از نما پوسته‌ای نجمشکاف و متداخل و بینا قابل حرکت بر روی نما امکان تغیر موضعی پوسته جزوی را به لحاظ دید و نورگیری مهیا می‌کند (ایلخانی و همکاران، ۱۳۹۳).	۲-ساختن ساختمان مسکونی مادر	
۳-ساختن ساختمان مسکونی مادر		۳. چالش با ظاهیریم گوشه‌های درونگرا / بروونگرا و انتظافیزیری و غرق‌قطعیت با حرکت آنفهای چرخان . امکان ایجاد سناریوهای مختلف فصلی با خود برای فضاهای (تالشی، ۱۳۹۲).	۳-ساختن ساختمان مسکونی مادر	
۴-جذبه گلستان		۴. سه لایه اصلی در نما: اول مصالح آجر، فلز و شیشه چنان‌نهضه فضای داخل و خارج . دوم پنجره‌های ارسی بر سیستم متحرک . سوم محل قرارگیری گلستانها (جیردی و صمدیان، ۱۳۹۲).	۴-جذبه گلستان	
۵-بیشتری آجر موجود در لبه تراسها بهطوری که از داخل بیرون دیده مشود بpon اینکه از بیرون، فضای داخل دیده شود ، توجه به پتانسیل از راه‌سوزن نیروی کار ، استفاده از کارگر ساده و غیرمتخصص (مجیدآبادی و مشهدی‌مرزا، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴).		۵-بیشتری آجر موجود در لبه تراسها بهطوری که از داخل بیرون دیده مشود بpon اینکه از بیرون، فضای داخل دیده شود ، توجه به پتانسیل از راه‌سوزن نیروی کار ، استفاده از کارگر ساده و غیرمتخصص (مجیدآبادی و مشهدی‌مرزا، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴).	۵-بیشتری آجر موجود در لبه تراسها بهطوری که از داخل بیرون دیده مشود بpon اینکه از بیرون، فضای داخل دیده شود ، توجه به پتانسیل از راه‌سوزن نیروی کار ، استفاده از کارگر ساده و غیرمتخصص (مجیدآبادی و مشهدی‌مرزا، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴).	
۶-ساختن ساختمان مسکونی زنگنه‌زد		۶. ایجاد خانهای برای یک خانواده گسترده ، در قالبی امروزی، پارادوکس میان استقلال و وحدت و احداثی مسکونی با وجود یک خطاط میانی در دل مجموعه، سه واحد متفاوت، در تناسب با سن و روحیه هر یک از مالکین، اما هم‌زبان و در پیوند با هم (اصفهانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳).	۶-ساختن خانوادگی افقی	
۷-آبرس خانه		۷. تلفیق از مصالح طبیعی جوب و فلز و سنگ در نماهای گلستانها سز با آثاری طفره‌ای نما را طبیعی و زنده می‌کنند (ادور و دلاوریان، ۱۳۹۲).	۷-آبرس خانه	
۸-نمایش بیرونی بنا، محدود به بازی حجمی مختصر با تراسها، تغییر در خط آسمان و ایجاد الگوی هندسی جدید. تلنیات انسان به نما با پوسته‌ای مشبک از پلنهای جویی تبدیل نور محیط (شندروی، ۱۳۹۴).		۸-نمایش بیرونی بنا، محدود به بازی حجمی مختصر با تراسها، تغییر در خط آسمان و ایجاد الگوی هندسی جدید. تلنیات انسان به نما با پوسته‌ای مشبک از پلنهای جویی تبدیل نور محیط (شندروی، ۱۳۹۴).	۸-نمایش بیرونی بنا، محدود به بازی حجمی مختصر با تراسها، تغییر در خط آسمان و ایجاد الگوی هندسی جدید. تلنیات انسان به نما با	
۹-ساختن ساختمان مسکونی خوز		۹. در نظرگرفتن نیازهای زیستی انسان با توجه ویژهای به آب، گیاه و نور، کاپس طراحی بنا فرم مدرن ارسی همراه با شیشه‌های رنگی، به صورت پوسته دوم و نقش سایه‌ان سایه جداره نما . نمای ساختمان به صورت دوجداره، با جوب ترموم و شیشه رنگی (کیوانی و کیوانی، ۱۳۹۴).	۹-ساختن ساختمان مسکونی خوز	

 ۱۳. مداخله‌شده مسکونی در خان	۱۳. در جستجوی پلاتوله برخی از مقامیم هنری گفتند. ایجاد حس محرومیت واردگردن بعد سوم بر روی سطح نما استفاده از اینکه و لجه به هوان حصر سکانده اصلی نما (هاجیان، ۱۳۹۵)
 ۱۴. مداخله‌شده مسکونی کلار	۱۴. دنگر پهنه‌گیری از نور طبیعی و افزایش عمق نمودنور در فضای داخلی، جملایی تغیر یافته به صور غروره و پراهمه در نقاط مختلف، شترهای چوی هجر که برای حفظ حریم مخفی به عنوان یک حصر تکرارشونده برای بولابی نما اصدهست، (دیگران، ۱۳۹۶)
 ۱۵. مداخله‌شده نیلوفر ۲۲	۱۵. برهم زدن تسلط نظام ازره بر فرم مسازی . تبدیل گشتوگاهها از حفره‌هایی در حفاظه دوستون، به لمکهای مغلوبش فرمی ایکن تلقنایی در خواش اینه مقاص و ترازهای پروراه (اصداب، ۱۳۹۶)
 ۱۶. مداخله‌شده مسکونی پارک	۱۶. ساخت تصویری زیبا از قاب مکبه‌ایی طبیعی با آن و یاستخ و برگ در خان از هدایتگر داخلی، فایگردن این جرمان در هر طبقه از ساختمان و تسبیه باعجههای طبیعی در لین قابها (دیگران، ۱۳۹۶)
 ۱۷. مسکونی گلسل	۱۷. ایجاد تراپهایی با ازقایع دو طبقه که به هم هژرف نشکند. پلخی به ۵ شبکهای خوبیه ناما تراپهای یکپیشکل . احرازم به حفظه صحری ساکین گوچه با حفظ دیوار محوطه ملک قدیمی (لامی، ۱۳۹۶)
 ۱۸. تراوس مفهوم برده از دون به بیرون خکه و تجسس آن به فقط بر روی پوسته که با تبریکشدن به خود پوسته دربرگزنشده خشنه (ایلکن، ۱۳۹۶)	۱۸. تراوس مفهوم برده از دون به بیرون خکه و تجسس آن به فقط بر روی پوسته که با تبریکشدن به خود پوسته دربرگزنشده خشنه (ایلکن، ۱۳۹۶)
 ۱۹. مداخله‌شده	۱۹. توجه به سادگی، استقرار صاری، خودلایی هشای زندگی و افزایش اسرایش، حفظ حریم خصوصی تراپهای با خود یا دل هجر که برایهای جوچل چویی و ایجاد فضایی بدون مشرفت در تراس با بازیهای مختلف نور و سایه در آن اقتصادیش (دیگران، ۱۳۹۶)

پیوست ۲. بناهای مسکونی عامه قشر مرتفه، شهرود

مطالعات محیطی هفت حصار شماره چهل و چهارم / سال دوازدهم / تابستان ۱۴۰۱

Critical evaluation of the presentational variables in artistic-architectural institution and the public architecture, (2008-2018)

Somaye Noura, Ph.D. Student in Architecture, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Hero Farkisch*, Assistant Professor, Department of Architecture, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Ahmad Mirza Kouchak Khoshnevis, Assistant Professor, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Iran.

Mohammad Taji, Assistant Professor, Department of Mining, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

Hossein Moradinasab, Assistant Professor, Department of Architecture, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

Received: 2021/8/8

Accepted: 2022/5/30

Introduction: Residential architecture is not only literal words based on specific arrays and techniques, rather, it is a kind of colloquial language in which social contradictions and distinctions are exhibited with the same oral language. The presentational variable is one of the influential factors in the architectural body. Nowadays, dramatic architecture in society as a public affair is a barrier to policy-making with a cultural challenge in the field of architecture. From the point of view of culturalism, presentational variables are associated with culture, while culture, affected by time and field, can be derived from each of the cultural layers or areas; ideological culture (Culture of specialist forces, books, and articles), custom culture (Common culture), elite culture (Imported culture) or foreign culture (Religion and Nationality). Perceiving the relation between the presentational variable and architecture is a part of perceiving the architecture-culture relation. On the other hand, the difference between academic and daily conversation is displayed in the form of the building's skin by entering the distinction which has shown itself in "language". The explanation of this cultural category in the duality of opinion and action on today's exterior body of housing architecture will assist the audiences in understanding it more accurately in the direction of today's housing pathology. Therefore, in the present study, the indicators of the presentational variable have been explained and then investigated on the exterior body of contemporary Iranian housing.

Methodology: First, the seven proposed indicators of the presentational variables on the exterior body of a building have been explained according to variations of research literature and reasoning/qualitative analysis using the mixed method, and then the indicators and characteristics, in selected buildings from the domain of "artistic institution", including selected buildings in architectural competitions, the domain of "public" architectures namely architectures of the artificial texture of society has been investigated using mean comparison test. Data collection for the statistical population of the first and second categories has been done by library and field methods, respectively, and the sampling model of both categories has been purpose.

Results: Among the seven indicators of the presentational variable (modernism, prodigal, isolated, dominant, bourgeois, seducer, rupture of culture), there has been a significant difference in five indicators among the buildings of these two domains; so the most effective indicators of the presentational variable in the first domain means indicators of "isolated" and "modernism" have been the least effective indicators in the second domain and conversely, indicators of "rupture of culture" and "bourgeois" have considered as the most effective indicators in the second domain while they have considered as the least effective indicators in the first domain.

Conclusion: This lack of congruence has revealed an incompatible situation as it seems that public architecture has not been subordinate to the selected buildings of institutions of society and this institution has not shown the required field – according to Bourdieu – in shaping the exterior body of housing in order to gain public obedience.

Keywords: The presentational, Critical thinkers, Housing, Selected building of architecture competitions, The public building.

* Corresponding Author's E-mail: hero.farkisch64@gmail.com